



بعد از گذشت فقط ۷ ماه ابتکار فرهنگی سه جوان محله شهید بهشتی به شهرهای دیگر رسید

مسیری نو برای جهاد

۵۴



عکس: نرجس شاکری/شهرآرا

حامد طاهری فر
خاطراتش را از کوشش ۱۳ مرور می‌کند
**مغازه‌های قدیمی محله
در دست نسل جدید**

۶



۲ اهالی بولوار ایمان، از وجود انبارهای ضایعات
در محدوده سکونتشان گلایه دارند
خانه یا محل دیو زباله؟

۷ نوجوان مداح محله بهشتی
می‌کوشد در مسیرش بهترین باشد
مداحی، فقط صدای خوب نیست



اهالی بولوار ایمان، از وجود انبارهای ضایعات در محدوده سکونتشان گلایه دارند

خانه یا محل دیو زبانه؟

سمیرا منشادی | سال گذشته در آخرین برنامه ارتباط مردمی شهردار در مرکز ۱۳۷، یکی از ساکنان بولوار ایمان در تماسی از وجود انبار ضایعاتی شکایت داشت که نزدیک منزلش بود. در واقع یک واحد مسکونی که تبدیل به انبار ضایعات شده بود، عامل این مشکل بود. شهردار محله قول پیگیری این موضوع را پیش از سال به شهروندان داد. این بار به خیابان ایمان رفتیم و از نزدیک با مردم در این باره گفت و گو کردیم.



● پیگیری بدون نتیجه

ساکنان بولوار ایمان از صاحب انبار ضایعات می ترسند. یکی از آنان می گوید: اگر صاحب انبار متوجه شود با خبرنگار همکاری کرده ایم به دردسری افتیم. دیگری که رفتارشان می دهد نمی خواهد در کنار خبرنگار دیده شود با فاصله از ما قدم برمی دارد. وقتی به ابتدای کوچه می رسیم، او می گوید: مدت هاست چند انبار ضایعاتی در بولوار ایمان فعالیت می کنند. چندین بار اهالی به مالکان این ساختمان ها اعتراض کرده اند، اما آن ها گوششان بدهکار نیست. او حرفش را این طور ادامه می دهد: با اعتراض های زیاد اهالی کوچه و پیگیری از ۱۳۷ و شهرداری، یکی دو سال پیش، این انبارها برای چند ماه جمع آوری شدند، اما فعالیتشان را دوباره در جای دیگری از بولوار ایمان شروع کردند. او ادامه می دهد: بوی مشمئزکننده زباله ها و افزایش موش و حشرات موذی آزارمان می دهد، اما مالک گوشش به این حرف ها بدهکار نیست. او در این محله زندگی نمی کند؛ برای همین شرایطمان را درک نمی کند.

● به خطر افتادن امنیت محله

زهرتوکی، یکی دیگر از ساکنان، از وجود انبار ضایعات در محله شان شاکی است و حرفش را این طور شروع می کند: علاوه بر مشکلات بهداشتی، افرادی که به این انبارها رفت و آمد دارند، امنیت محله مان را به خطر می اندازند. توکی به سرقت سیم های کابل تلفن و سرقت از منازل و ماشین ها اشاره می کند و می گوید: افرادی که ضایعات جمع می کنند، هروسیله ای را که برایشان به پول تبدیل شود، سرقت می کنند. این شهروند به گرمای پیش رو اشاره می کند و ادامه می دهد: بوی مشمئزکننده در تابستان بیشتر اهالی را اذیت می کند. مسئولان بهتر

می دانند که وجود این انبارهای ضایعات تاجه اندازه می تواند برای سلامتی و بهداشت یک محله مشکل آفرین باشد.

● احتمال آتش سوزی همیشه هست

موسی ذوقی که از کسب و کار روزانه اش برمی گردد و با شهرآرام محله هم کلام می شود، درباره منازل مسکونی که انبار یا مکان دپوی ضایعات می شوند، می گوید: وجود این مراکز دریافت های مسکونی، احتمال وقوع آتش سوزی را در این مراکز با گرم شدن هوا و به دلیل وجود مواد پلاستیکی، کاغذی و... افزایش می دهد. ذوقی ادامه می دهد: این انبارها خطرات بسیار جدی برای همسایگان دارد و با اینکه به صاحبان آن ها خطر داده می شود، معمولاً توجهی نشان نمی دهند.

● خلأ قانون در مورد انبار ضایعات

کارشناس پیگیری کمیسیون بند ۲۰ شهرداری منطقه ۷ درباره این مشکل مردمی می گوید: ما چندین انبار را در بولوار ایمان شناسایی کرده ایم و با توجه به اینکه در منازل مسکونی هستند، ورود به این اماکن به مجوز نیاز دارد.

سید علی عابدی می افزاید: پیگیری های قانونی انجام شده است و تا یک ماه آینده، اقدامات لازم به منظور جمع آوری آن ها انجام می شود.

کارشناس پیگیری کمیسیون بند ۲۰ با اشاره به اینکه منازل مسکونی رانمی توانند پلمب کنند، توضیح می دهد: هر بار بعد از شناسایی و پاک سازی، این خانه ها را با آهک پاشی، ضد عفونی می کنیم، اما به دلیل مسکونی بودن، اجازه پلمب نداریم. خلأ قانونی در این زمینه سبب شده است این افراد دوباره به کارشان ادامه دهند.



درایم شلوغی، شرایط بوستان غدیر برای حضور زائران کنترل می شود

افزایش نظارت کاهش خطرات

آتش نشانان به صورت بیست و چهار ساعته در بیست روز اول سال، با سنسورهای مخصوص، دمای چادرهای مسافرتی زائران را در بوستان غدیر کنترل می کردند تا احتمال گاز گرفتگی را تشخیص دهند.

شهردار منطقه ۷ با بیان این خبر گفت: با اقدامات پیشگیرانه و گشت زنی ها و پایش هایی که از سوی آتش نشانان صورت گرفته، امسال حتی یک مورد گاز گرفتگی و حریق در بوستان غدیر اتفاق نیفتاده است.

به گفته مجید وحدتی پور، شهرداری منطقه ۷ با همراهی سازمان آتش نشانی در روزهای شلوغ، شرایط بوستان را کنترل می کنند تا خطری میهمانان حرم رضوی را تهدید نکند.

او ادامه داد: کنترل لوازم پارکی نیز برای پیشگیری از بروز اتفاق برای کودکان به صورت دوره ای در بوستان غدیر انجام می شود.

هر سال در شش ماه اول سال، به خاطر شرایط مساعد جوی، این بوستان پذیرای زائران است. هزینه زیاد اسکان باعث شده است هر سال شمار این میهمانان افزایش یابد.

مهربانی در محله خلع

پویش «مشهد مهربان» با هدف آزادسازی زندانیان جرائم غیر عمد، در مسجد و حسینیه بیت المهدی (عج) محله خلع (ریاضی ۲۹) با مشارکت فعال اعضای دوام ثامن منطقه ۷ برگزار شد. این برنامه معنوی که با استقبال اهالی محله و همراهی خیران برگزار شد، با مشارکت جوانان همراه بود و کمک های چشمگیری جمع آوری شد.

ترویج فرهنگ نوع دوستی در کوی پلیس

در سومین مرحله از اجرای طرح کمک های مؤمنانه، سی بسته مواد غذایی میان نیازمندان محله کوی پلیس توزیع شد. این اقدام با همکاری خیران و به همت پایگاه شهید باهنر و مسجد و حسینیه ارض اقدس انجام شد. ارزش مجموع این بسته ها ۴۵۰ میلیون ریال برآورد شده و هدف از اجرای آن، ترویج فرهنگ همیاری و نوع دوستی بوده است.

قرآنی های «بهارستان»

در مراسمی از فعالان فرهنگی و قرآنی محله بهارستان در مسجد امام علی النقی (ع) تجلیل شد. این مراسم به همت خیران، هیئت امناء پایگاه های بسیج خواهران و برادران مسجد برگزار شد و مسئولان فرهنگی شهرداری در آن حضور داشتند. در این مراسم، ضمن قرائت قرآن کریم، از فعالان قرآنی مسجد و پانزده نوجوان و جوان فعال فرهنگی و قرآنی تقدردانی شد.



شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۹۱۵۱۰۴۵۹۵۱ در پیام رسان ایتا بفرستید.



● شبی در خانه خدا

پایگاه بسیج شهید نامجو مسجد حضرت محمد (ص)، برنامه ای معنوی و سرگرم کننده با عنوان «شبی در خانه خدا» ویژه نوجوانان و جوانان برگزار کرد. این برنامه که شامل بازی های فکری و رایانه ای بود، بعد از نماز مغرب و عشا تا نماز صبح در فضای مسجد برای پسران محله امام رضا (ع) برگزار شد تا زمینه ای برای جذب این قشر به خانه خدا باشد.



● تجدید عهد با شهید در شروع سال

اعضای شورای اجتماعی محله امام خمینی (ره) با حضور در منزل خانواده شهیدان حسین و عباس اسماعیلی، یاد و خاطره این دو برادر شهید را گرامی داشتند. برادران اسماعیلی، هر دو سال ۶۱ در جریان عملیات رمضان و در پاسگاه زید که یک پاسگاه مرزی حفاصل منطقه کوشک و شلمچه است، به شهادت رسیدند.

● همدلی برای آزادی یک زندانی

اتحادیه صنف تعمیرات خودرویی مشهد در حرکتی انسان دوستانه و با همراهی شورای اجتماعی محله امام رضا (ع)، با جمع آوری ۶۷ میلیون تومان، زمینه آزادی یک زندانی جرائم غیر عمد را فراهم کرد. این مبلغ پس از هماهنگی های لازم، به حساب ستاد دپه خراسان رضوی واریز شد تا بعد از روند اداری، آغاز امسال با خبر آزادی برای یک خانواده همراه باشد.



● مهربانی نمازگزاران مسجد پنج تن (ع)

به همت خواهران بسیجی پایگاه شهید مصطفی زاده مسجد پنج تن (ع) و با مشارکت خیران محله شهید بهشتی، دو سری جهیزیه به زوج های نیازمند اهدا شد. سرویس قابلمه، سرویس چینی، یک تخته فرش، رختخواب و پتو از جمله اقلام اهدایی به این زوج ها بود. این حرکت خدا پسندانه با هدف حمایت از ازدواج آسان و کاهش دغدغه های آغاز زندگی مشترک انجام شد.



پاسخ به مطالبه مردمی

شهردار منطقه ۸ مشهد از اجرای عملیات روکش آسفالت خیابان مدرس ۶ خبر داد. کاظم یزدان مهر گفت: این معبر با تلاش عوامل اجرایی و با استفاده از شصت تن آسفالت، به مساحت ۷۵۰ متر مربع آسفالت شد. وی افزود: این پروژه که از مطالبات اصلی ساکنان این منطقه بود، با هدف بهبود عبور و مرور، افزایش ایمنی و رفاه حال شهروندان به اجرا درآمد.

توجه به معابر بوستان کوهشار

عملیات احداث سنگ فرش بوستان کوهشار منطقه ۸ با هدف ارتقای سطح کیفی و رفاه حال گردشگران به پایان رسید. اعتبار تخصیص یافته برای سنگ فرش کردن بوستان چهارده هکتاری کوهشار ۱۵ میلیارد ریال است. در این عملیات بیش از ۲ هزار متر مربع معبر با تلاش های عوامل اجرایی منطقه سنگ فرش شد.

خط کشی محوری برای کنترل بی نظمی

عملیات خط کشی محوری در معابر منطقه ۸ اجرا شد. در این راستا بیش از ۲۵۰ متر مربع از معابر اصلی و فرعی های سطح این منطقه در بولوار امام خمینی ۴۸، راست گرد های نامجوبه بهشتی و برعکس، نامجو ۲، خط ایست نامجوبه رودکی و گذرگاه عابر پیاده کندرو بزرگراه شهید سردار سلیمانی مقابل کلانتری جهاد خط کشی محوری شد.



شهر خبر



نشست شورای اجتماعی محلات منطقه ۸ با مسئولان شهری برگزار شد

اهمیت نقش مردم در اجرای برنامه های محلی

موسوی زاده نشست هم اندیشی اعضای شورای اجتماعی محلات منطقه ۸ با حضور مهدی ابراهیمی، معاون اجتماعی و مشارکت های سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد و ناصر فهیمی، رئیس اداره شورای اجتماعی محلات شهرداری مشهد، برگزار شد. در این نشست، مهدی حامدی، معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۸ نیز حضور داشت و ضمن ارائه گزارشی از عملکرد شوراهای اجتماعی این منطقه، بر اهمیت نقش مردم در پیشبرد برنامه های محله محور تأکید کرد.



بعد از گذشت فقط ۷ ماه
ابتکار فرهنگی سه جوان محله شهید بهشتی به شهرهای دیگر رسید

مسیری نو برای جهاد



داستان جلد

نجمه موسوی زاده مکان مؤسسه آن قدر بزرگ نیست؛ چند پله، مسیر ورود به زیرزمین کوچکی است که تقریباً یک سال می شود به پاتوقی برای فعالیت های گروهی تبدیل شده و به دست سه دهه هشتادی اداره می شود. در این فضا، یک میز جلسات، دو سیستم کامپیوتر و کارتن هایی پر از کاغذ های کوچک سبز و نارنجی به چشم می خورد؛ کاغذ هایی که قرار است بایسته بندی های شکل به استان های مختلف کشور ارسال شوند. این تصویر ساده، نمایی از فعالیت های گروه جوان و پرانرژی «نو جهاد» در محله شهید بهشتی است که با انگیزه و پشتکار، تلاش می کنند پیام هایی از شهیدان و مفاهیم قرآنی را به دست مردم برسانند.

مقابله با جنگ نرم

سه جوان دهه هشتادی، هفت ماهی است که تصمیم گرفته اند در قالب کاری نو و هوشمندانه، نسل نو جوان و جوان را با سیره شهدا، آیات قرآن و پیام های نهج البلاغه بیشتر آشنا کنند. دو نفرشان طلبه و یک نفرشان دانش آموز است. مرتضی حدادیان یکی از این سه نفر است که از کودکی به مسجد محله آمد و شد داشت. همان جا بود که به مرور اولین جرعه های دینی و مسئولیت پذیری اجتماعی در وجودش زده شد. به نو جوانی که رسید، انتخاب اول و آخرش تحصیلات حوزوی بود. بنابراین به جای دبیرستان راهی حوزه علمیه شد. او که چند سال مسئول واحد نو جوانان پایگاه بسیج مسجد پنج تن^(۱) بود، یک سال و نیم پیش تصمیم گرفت نو جوانان محله اش را با اجرای برنامه های متنوع نه تنها با آموزه های دینی آشنا کند، بلکه از هر کدام از آن ها فردی کنشگر و مسئول در برابر اتفاقات جامعه بسازد. مرتضی که این روزها به خاطر شروع کار جدیدشان بسیار پرمشغله است، برایمان درباره تأسیس مجموعه نو جهاد می گوید: اول کارمان را با اردوهای تفریحی و زیارتی، همایش مشاوره انتخاب رشته، کمک به افراد نیازمند، برپایی ایستگاه صلواتی شروع کردیم. مابچه های محله را با یک اتوبوس برای شرکت در نماز جمعه ای که خطیب آن رهبر معظم انقلاب بود، به تهران بردیم که برایشان خیلی خاطره ساز شد.

شروعی نو با ایده ای مقاومت

بعد از گذشت یک سال، مرتضی و همکارانش احساس کردند کارهایشان چیزی کم دارد. انگار نتوانسته اند به آن هدفی که از اول داشته اند که اجرای کار فرهنگی مؤثر بوده، دست پیدا کنند؛ از همان اول می خواستیم کاری نو و متفاوت انجام دهیم و به همین دلیل هم عنوان نو جهاد را

برای مجموعه مان انتخاب کردیم.

او ادامه می دهد: سه چهار ماهی که از فعالیتمان گذشت، تصمیم گرفتیم با تولید محصول فرهنگی، سمت و سوی دیگری به مجموعه بدسیم. با مشورت و همفکری به این نتیجه رسیدیم که برای آشنایی نو جوانان و جوانان با شهدا سخنان آن ها را انتخاب کرده و در قالب یک جمله کوتاه روی کارت ها چاپ و در یک پاکت بین این گروه سنی توزیع کنیم.

برای چاپ گزیده ای از صحبت های شهدا، باید کارت ها به گونه ای می بود که افراد برای خواندن پیام شهید جذب شوند؛ تصمیم گرفتیم هشتاد سخن از هشتاد شهید را انتخاب کنیم و در یک بسته قرار دهیم و در محافل توزیع کنیم تا هر فرد با برداشتن یک کارت به سخن شهید فکر کند.

با مطالعه کتاب های سیره شهدا و جست و جوی اینترنتی، گزیده ای از سخنان شهید که جنبه آموزشی و مفهومی داشت، در راستای دغدغه مخاطبان جمع آوری شد؛ از کلام شهدای ترور، دفاع مقدس و جبهه مقاومت و... استفاده کردیم و با طراحی ساده و چاپ آن روی کارت اولین بسته آماده شد.



استقبال از رزق شهدایی

حالا باید برای بسته نامی انتخاب می کردند. آن طور که مرتضی می گویند نیاز نبود زیاد فکر کنند، از همان ابتدا این محصول فرهنگی نامش را همراه خودش داشت؛ «قرار بود هر کارت یک پیام آموزنده به مخاطب منتقل کند و به او یک توصیه بدهد. اینجاست که عنوان «رزق شهدا» را انتخاب کردیم که نامی پرازنده برای این محصول است. به این معنی که فرد روزی اش شده است که با توصیه ای از شهید مواجه شود.

با آماده سازی اولین بسته، کارهای تبلیغاتی شروع شد. کاری که به صورت جدی به سعید کاظمی، دوست دوران نو جوانی و هم کلاسی حوزه علمیه مرتضی، سپرده شد. سعید نیز متولد ۸۳ است و از همان روز اول شکل گیری نو جهاد، پایه پای مرتضی فعال بود. او توضیح می دهد: تا قبل از این، هیچ تجربه ای در تولید محصول فرهنگی نداشتیم؛ بنابراین تصویر نمی کردیم بتوانیم به این سرعت محصول خود را معرفی و متقاضی پیدا کنیم.

بر خلاف تصور سعید، با اولین تبلیغ در فضای مجازی، یکی از مساجد خواهان دریافت بسته رزق شهدایی شد؛ به دنبال آن، درخواست های بیشتر و بیشتر شد به طوری که تصمیم گرفتیم تولید محتوای خود را کامل تر کنیم.

استقبال کم نظیر

با تحقیق و جست و جو تعداد کارت ها از هشتاد تا به دوپست عدد رسید. به دلیل تقاضای زیاد مخاطبان، بسته ها در دو نوع صد تایی بسته بندی شدند. سعید کاظمی در این باره می گوید: برخی از محافل جمعیت بیشتری دارند و برخی دیگر جمعیتی کمتر. به همین دلیل برای اینکه هر دو گروه بتوانند از



بگویم که کارتی هم که برای خودم بود، همان چیزی بود که در ذهنم به آن فکر می کردم.»

مرتضی نیز در ادامه سخنان مهزیاری می گوید: شاید باورش سخت باشد، ولی هرکسی که این کارت ها را تا حالا تهیه کرده، یک واکنش مشترک داشته است. آن ها معمولاً می گویند چقدر درست و دقیق جواب دغدغه ذهنی شان داده شده است.

با افزایش سفارش ها، بسیاری از بچه هایی که با نوجهاد در ارتباط هستند، داوطلب می شوند برای بسته بندی کارت هادر محل مؤسسه کمک کنند تا کارها سریع تر پیش برود. مرتضی می گوید: پانزده نفر از بچه های نوجوان برای کمک در مؤسسه حاضر می شوند. این بچه ها خود جوش و داوطلبانه به کمکمان می آیند. این نوجوانان از همان افرادی هستند که برایشان برنامه های مختلفی برگزار می کنیم.

دوره های آموزشی در فضای مجازی

گروه نوجهاد همچنان کلاس های ویژه ای برای مخاطبان خود در فضای مجازی برگزار می کند. به این صورت که مثلاً در ماه مبارک

رمضان سال گذشته دوره «معارف کاربردی نوجوان مجاهد» به صورت روزانه در کانال باکلیپ های هفت دقیقه ای بارگذاری شد، سپس از موضوعات گفته شده آزمونی گرفته و به نفرا ت برتر جوایزی نیز اهدا شد. مرتضی توضیح می دهد: ۱۲۰ نفر در این دوره ثبت نام کردند و با موضوعات خودشناسی، خداشناسی و دشمن شناسی به زبانی ساده و قابل فهم آشنا شدند.

گروه نوجهاد توانسته است در مدت کوتاهی، تأثیر زیادی داشته باشد و برای نوجوانان و جوانان فرصتی فراهم کند تا در کنار آشنایی با مفاهیم دینی و جهادی، در راه ارتقای فرهنگ و مسئولیت پذیری در جامعه نیز گام بردارند. در این مسیر، نوجهاد به کمک کلام شهدا، قرآن و نهج البلاغه، نسل جدید را به یاد روزهای سخت انقلاب و جهاد می اندازد و آن ها را به سمت آینده ای روشن تر هدایت می کند.



تشویق به شناخت شهدا

سجاد پیروزفرد، مدیر کانون «هم قدم تا آسمان»، از محصول رزق شهدایی نوجهاد در بزرگ ترین اعتکاف نوجوانان مشهد استفاده کرده است. او می گوید: نوجوانان ارتباط بسیار خوبی با این محصول برقرار کردند و حتی برخی از آن ها با دیدن نام شهدا تشویق شدند تا بیشتر درباره آن شهید بدانند. او می افزاید: بیشتر بچه ها احساس می کنند این سخنان همان حرف دل آن هاست و دوستانشان را تشویق به استفاده از رزق شهدایی می کنند.

ارتباط نسل جدید با شهدا

امیرحسین مشکی، مربی مدرسه «نسل آفتاب» که از کارت های رزق شهدایی در اردوی راهیان نور برای نوجوانان استفاده کرده است، می گوید: بعد از روایتگری زندگی شهدا، هنگامی که ارتباط خوبی بین نوجوانان با شهدا رقم خورد، این کارت ها را توزیع کردیم و باز خورد بسیار خوبی از نسل جدید گرفتیم. او ادامه می دهد: درباره رزق قرآنی هم باید بگویم چون آیات قرآنی همراه با مفهوم روان و قابل درک است، خواندن آن بسیار دل چسب است و افراد بسیاری از آن استفاده می کنند.

کنیم، اما این موضوع باعث نشد دقت کمتری داشته باشیم. برعکس، به دلیل استقبال بی نظیر از رزق شهدایی، و سواس بیشتری برای انجام کار داشتیم.»

مرتضی بسته های نهج البلاغه و قرآن را از داخل کارتن بیرون می آورد و کارت ها را ورق می زند. او با اشاره به هدفشان می گوید: هدفمان این بود که گام دیگری در تولید محتوای فرهنگی برداریم.

او سپس به کارت های دیگری اشاره می کند و ادامه می دهد: برای افرادی که می خواهند مفاهیم قرآنی و نهج البلاغه را حفظ کنند، کارت های ویژه ای طراحی کردیم تا این افراد بتوانند مفاهیم را مرور کنند.

نوجوان جهادی، در دنیای دیجیتال

کارت های نهج البلاغه و قرآن در ماه مبارک رمضان سال گذشته آماده و در سایت بارگذاری شد. از همان روز اول، افراد زیادی برای دریافت این کارت ها داوطلب شدند. اما شاید برایتان جالب باشد که کار طراحی سایت و پشتیبانی آن بر عهده مهزیار کمرانیان، دانش آموز پایه دهم از مدرسه تیزهوشان است.

مهزیار از دو سال پیش در کلاس های معرفتی مسجد پنج تن^(۴) شرکت می کرد و آنجا با مرتضی آشنا شد. او می گوید: وقتی عضو پایگاه بسیج مسجد شدم، آقای حدادیان مربی من بود. آن قدر دل نشین صحبت می کرد و ارتباط خوبی با بچه ها داشت که همه ما به نوعی مجذوب اخلاق او شدیم.

مهزیار که به دلیل علاقه اش به کارهای گرافیکی، به صورت خودآموز از طریق فضای مجازی طراحی و تدوین را یاد گرفته است، به محض تأسیس نوجهاد به مرتضی و سعید پیوست. او توضیح می دهد: نتوانستم در استخراج سخنان شهیدان باقرآن و نهج البلاغه کمک کنم، اما چون دلم می خواست همپای آن ها به مؤسسه کمک می کرده باشم، طراحی و پشتیبانی سایت به من سپرده شد.

حالا مهزیار نه تنها مسئول طراحی سایت است، بلکه طراحی پوسترهای کلاس های آموزشی و برنامه های جهادی نوجوانان نیز به عهده دارد. او می گوید: درست است که از پاییز سال گذشته به تولید محصولات فرهنگی پرداخته ایم، اما فعالیت های قبلی نوجهاد تعطیل نشده است. به عنوان مثال، در نیمه شعبان پارسال، ایستگاه صلواتی سبب زمینی سرخ کرده از سوی مجموعه برپا بود. اتفاقاً خیلی هم از آن استقبال شد. مهزیار خاطره ای شیرین از تجربه خود در حوزه کاری اش دارد: «پارسال در مراسم اعتکاف شرکت کرده بودم. بعد از سخنرانی، بسته های رزق شهدایی در میان شرکت کنندگان توزیع شد تا هرکس یک کارت بردارد و بفهمد سخن شهید باو چیست. از یک طرف برایم جالب بود کاری که گروه ما انجام داده در یک محفل بزرگ توزیع می شود. از طرف دیگر، برخورد بچه هایی که از کارت استفاده می کردند، برایم دیدنی بود. بیشترشان می گفتند به توصیه شهید نیاز داشتند و سخن شهید با آن ها دقیقاً دغدغه ذهنی شان بوده است. البته این نکته را هم

این بسته ها استفاده کنند. آن ها را به شکل صد تایی بسته بندی کردیم. هیچ کدام از کارت ها صحبت تکراری ندارد و دو بیست جمله ناب و آموزنده از شهیدان در این کارت ها نقل شده است. کارت هایی که ابتدا در اردوی راهیان نور برنامه اعتکاف مساجد توزیع شد و استقبال آن قدر زیاد بود که از استان های دیگر هم تقاضای پیدا کرد.

سعید، همان طور که یکی از کارت ها را در دست می گیرد، می گوید: از ابتدا با راه اندازی سایت، دسترسی به سفارش ها را برای مخاطبان راحت تر کردیم. از این طریق هرکسی می تواند هر تعداد بسته که می خواست سفارش دهد و ما آن را چاپ کرده و بسته بندی می کردیم و برایش ارسال می کردیم.

یک روز، زمانی که سعید سفارش ها را بررسی می کرد، متوجه شد که درخواست هایی از شهر کرمان آمده است. او با شور و شوق می گوید: بسیار خوشحال شدم و مرتضی را صدا کردم تا این خبر را به او بدهم. شاید باورش سخت باشد، اما آن قدر از اینکه توانسته ایم محصول را در جایی خارج از شهر خودمان معرفی کنیم خوشحال شدیم که انگار مزد زحمات های چند ماهه خود را دریافت کردیم.

ابتدای دی ماه سال گذشته، وقتی توزیع کارت های رزق شهدایی آغاز شد، این گروه در مدت کوتاهی توانستند هشتصد بسته را در مساجد و محافل مشهد و همچنین در ۲۹ استان کشور به فروش برسانند.

استفاده از راهنمایی استادان حوزه

استقبال بی نظیر از محصول، موجب شده پیشنهادهایی که دو نفر از استادان حوزه، بسته های دو بیست تایی با مضامین قرآن کریم و نهج البلاغه نیز طراحی کنند. سعید، مسئول جست و جوی سخنان گوهر بار امیرالمؤمنین^(ع) از نهج البلاغه و مرتضی عهده دار پیدا کردن آیات قرآن شد. جملاتی که همه فهم باشد و درکش برای مردم سخت نباشد.

سعید درباره نحوه استخراج جملات از نهج البلاغه می گوید: باراهنمایی چند نفر از استادان حوزه و مطالعه دقیق کتاب نهج البلاغه، دو بیست جمله آسان فهم را استخراج کردم.

او آن قدر درگیر این کار شده بود که بعد از کلاس درس، ساعت ها کتاب نهج البلاغه را در دست می گرفت تا کار را سریع تر پیش ببرد. «هدفمان این بود که محصول فرهنگی قرآن و نهج البلاغه را تا ماه مبارک رمضان آماده



حامد طاهری فر خاطراتش را از کوشش ۱۳ مرور می کند

مغازهای قدیمی محله در دست نسل جدید



ایستگاه
اول



بافت محله تادهه ۸۰ ستنی بود. خانه های یک و نهایتا دو طبقه بودند. از آن دهه به بعد، پدرم خانه پدری اش را تبدیل به آپارتمان کرد و دیگر از آن خانه قدیمی خبری نیست.

سمیرا منشادی | حامد طاهری فر بزرگ شده محله کوشش است واز کوچه هایی می گوید که صفا و صمیمیتشان را هنوز در خاطر دارد. به خصوص کوچه کوشش ۱۳؛ جایی که دیوار کوتاه خانه ها و حیاط های باصفایش روایتگر قصه های شیرین زندگی بودند.

پدر بزرگش، آشپز کارخانه نخریسی، به خاطر نزدیکی به محل کار، این محدوده را برای زندگی انتخاب کرد. حالا، حامد با عشق و دلتنگی از روزگاری حرف می زند که حیاط خانه پدری اش محل بازی بچه ها و شب های تابستانش پر از خنده و دورهمی های خانوادگی بود. این بار، او ما را به سفری در دل خاطرات محله ای می برد که هر گوشه اش، رنگی از گذشته دارد.

مرحوم علی پور آذری، همسایه مان، در این کوچه دست به خیر بود. در خانه اش به روی اهالی محله باز بود و در گره گشایی از همسایه ها کوتاهی نمی کرد. بعد از فوتش ورثه خانه اش را کویدند و دوباره ساختند.

ایستگاه
دوم



ایستگاه
سوم



ایستگاه
چهارم



ایستگاه
پنجم

دبستان پسرانه مولوی که در سال ۱۳۹۱ بازسازی شده، مدرسه ای است که پنج پایه ابتدایی ام را در آن خواندم. بابای مدرسه، ما را می شناخت و اجازه می داد تا دیر وقت در حیاط مدرسه فوتبال بازی کنیم.

دولبنیاتی در این کوچه هستند که هر دو قدیمی اند. یکی از آن ها لبنیات بلوچ در قباد ۱۳ است که حالا توسط پسران مرحوم بلوچی اداره می شود. پسر ها همانند مرحوم پدرشان به انصاف و اخلاق در محله معروف هستند.

مسجد سید الشهدا^(ع) را به واسطه مرحوم حمید عباسی شناختم. ۱۰ روز قبل از محرم با بچه های مسجد برای سیاه پوش کردنش دور هم جمع می شدیم. صفر تا صد کارها به عهده ما جوان های محله بود.

عطاری نعیمی نزدیک به پنجاه سال است که در محله مان قرار دارد. بعد از فوت مرحوم حاج صادق نعیمی، پسر و نوه اش، مغازه را اداره می کنند. هر زمان که مادرم ادویه و عرقیات می خواست، ما را برای خرید به این مغازه می فرستاد.



حسین آمانا، مدرس مطرح قرآن، یک خاطره شنیدنی از کلاس‌های درسش دارد

شوخی با جوراب پاره



صندوق
خاطرات

● جورابی که علت خنده شد

آقا معلم وقتی به خانه برگشت، ذ هنش به طور کامل درگیر بود. دلش می‌خواست به آن پسر کمک کند، اما می‌دانست اگر مستقیم برایش جوراب بخرد یا به او چیزی بگوید، شاید بیشتر معذب کند و حتی دیگر سر کلاس نیاید؛ «نوجوان‌ها به ظاهر ساده‌اند، اما دنیایشان پر از ظرافت و حساسیت است. باید کاری می‌کردم که غرورش نشکند و در عین حال احساس امنیت کند.» استاد آمانا جلسه بعد با جورابی به کلاس رفت که به طور عمد چند سوراخ داشت؛ «موقع درس دادن از جا بلند شدم و عمداً جوری ایستادم که بچه‌ها سوراخ جورابم را ببینند. بعد هم با خنده شروع کردم به شوخی با خودم و جورابم. همه زدند زیر خنده و فضای کلاس مثل همیشه پر از شور شد. امامم تراز همه، همان پسر هم خندید. راحت شد و آن نگاه پر از خجالت تبدیل شد به نگاهی آزاد و بی‌دغدغه.»

از آن روز به بعد، او دیگر آن نوجوان خجالتی نبود. با انگیزه و اشتیاق سر کلاس می‌رفت. سؤال می‌پرسید، تمرین می‌کرد و یکی از بهترین قرآن‌آموزان شد.

این معلم قرآن می‌گوید: این تجربه یکی از عمیق‌ترین درس‌هایی بود که خودم گرفتم. فهمیدم معلمی فقط در دانسته‌ها نیست. یک معلم باید از خودش بگذرد، ساده باشد، صادق باشد، و در دپچه‌ها را بفهمد. رفتارم می‌تواند برای یک شاگرد اعتماد بسازد یا ویرانش کند.

او می‌افزاید: هنوز هم باور دارم معلمی که بخواهد تأثیر واقعی بگذارد، باید از جنس شاگردانش باشد؛ بی‌تظاهر، بی‌ادعا و پر از انسانیت.

فرق داشت. باینکه لبخند روی صورتش بود، نگاهش اضطراب و نگرانی داشت. از آن لبخندهایی که فقط برای پنهان کردن چیزی است. آمانا برای اینکه دلیل نگرانی را متوجه شود، حین حرکت بین ردیف‌ها آرام به سمت پسر رفت. او حرفش را این طور ادامه می‌دهد: دیدم با دستش مدام پایین شلوارش را می‌کشد و روی جورابش را می‌پوشاند. کمی دقت کردم و متوجه شدم جورابش پاره است. آن پسر با تمام وجود تلاش می‌کرد کسی متوجه جورابش نشود. برایش این موضوع شاید خجالت‌آور بود. آن قدر که حتی تمرکش را در کلاس از دست داده بود.



سمیرا منشادی آونه تنها چهره‌ای مشهودی است، بلکه در عرصه بین‌المللی نیز در زمینه قرائت و تدریس قرآن حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد. همچنین از روش‌های مختلف مانند طنز برای آموزش بهره می‌برد.

حسین آمانا، ساکن محله کوی کارگران که در شهرهای مختلف کشور و چند کشور همسایه، شاگردان قرآنی تربیت کرده است، سال ۸۳ به عنوان مدرس برتر قرآن معرفی شد. چند دهه تدریس برای او سرشار از خاطرات شیرین و شنیدنی است.

● نگاه مضطرب دانش‌آموز

شیوه تدریس آمانا با همه معلم‌های قرآنی که تا به حال دیده ایم، متفاوت است. او در فضایی شاد، به آموزش قرآن برای قرآن‌آموزان می‌پردازد. استاد آمانا یکی از خاطره‌های دوران خدمتش را به یاد می‌آورد و بر ایمان تعریف می‌کند: در دوران سربازی ام که در یکی از روستاهای اطراف گناباد خدمت می‌کردم، تصمیم گرفتم در زمان‌های فراغتم برای بچه‌های روستا کلاس قرآن برگزار کنم. استقبال خوبی هم از کلاس شد.

او ادامه می‌دهد: هر بار بچه‌های بیشتری به کلاس می‌آمدند. انگار دلشان می‌خواست کسی جدی‌شان بگیرد، با آن‌ها حرف بزند، به آن‌ها یاد بدهد و در کنار یادگیری، فضایی شاد و صمیمی را تجربه کنند. آمانا یکی از روزهایی که مشغول آموزش بود، متوجه نوجوانی حدوداً پانزده ساله شد. سایر بچه‌ها در کلاس شاد بودند، می‌خندیدند، مشارکت می‌کردند، اما این پسر حالش

مداح جوان محله بهشتی، می‌کوشد در مسیرش بهترین باشد

مداحی، فقط صدای خوب نیست

امید محله

دعاها تسلط داشته باشد و بتواند ارتباط معنوی عمیقی با مخاطب برقرار کند. همچنین، صداقت و اخلاص در عمل از جمله ویژگی‌های ضروری است. مداح باید همیشه تلاش کند صدای خود را بهتر کند و در عین حال به آگاهی دینی خود بیفزاید.

● در چه مسابقاتی شرکت کرده و چه افتخاراتی کسب کرده‌ای؟

از کلاس چهارم تا نهم هر سال مقام اول یا دوم مسابقات اذان آموزش و پرورش ناحیه ۳ را کسب کردم. در حال حاضر بیشتر تمرکز من را روی درس گذاشته‌ام و کمتر در مسابقات شرکت می‌کنم. اما بزرگ‌ترین افتخار من این است که دو بار در برنامه محفل اشک حرم مطهر امام رضا^(ع)، تلاوت زیارت عاشورا همراه با مداحی را در ایام محرم و صفر اجرا کرده‌ام. در دارالتفسیر نیز یک بار برنامه اجرا داشته‌ام.

● اوقات فراغت را چگونه می‌گذرانی؟

بیشتر وقت را به تمرین و تکرار مداحی اختصاص می‌دهم. همچنین به انتخاب گزیده اشعار و متن برای تلاوت و مداحی می‌پردازم.

● اهل مطالعه هم هستی؟

کتاب زیاد می‌خوانم، به ویژه کتاب‌هایی که به آموزش مداحی یا زندگی شهید مربوط می‌شوند.

● بهترین کتابی که تا الان خوانده‌ای چه بوده است؟

کتاب سلام بر ابراهیم (زندگی نامه شهید ابراهیم هادی) را به تازگی خواندم و بسیار دوست داشتم.

● آیا در کلاس‌های آموزشی مداحی هم شرکت کرده‌ای؟

تا الان به هیچ کلاس آموزشی نرفته‌ام، اما در مجالس معنوی بسیاری شرکت کرده‌ام و پای منبر مداحان نشسته‌ام تا از آن‌ها یاد بگیرم.

● سبک کدام مداح را دنبال می‌کنی؟

کربلایی وحید شکر، مداح مشهدی، الگوی اصلی من است. در کنار او، مداحی‌های حسین طاهری و سید مجید بنی‌فاطمه را نیز دنبال می‌کنم.

● چه ویژگی‌هایی در یک مداح موفق می‌بینی؟

باید علاوه بر داشتن صدای خوب، بر معانی اشعار و

نجمه موسوی زاده ۱۵ ساله بود که در مسجد محله شان یک صفحه از دعای توسل را قرائت کرد. پایان مراسم، عضو هیئت امنای مسجد به او گفت: «پسر، صدای خوبی داری. می‌توانی مداح یا قاری شوی.» با شنیدن این تعریف، عرفان امیریان متوجه استعدادش شد. حالا هشت سال از آن زمان می‌گذرد و عرفان توانسته است پنج بار مقام اول و دوم مسابقات اذان آموزش و پرورش ناحیه ۳ را کسب کند. این نوجوان ساکن محله شهید بهشتی افتخار مداحی در حرم مطهر امام رضا^(ع) را دارد و ۲ سالگی می‌شود که خادم یار حرم رضوی است.

● چطور شد به مداحی علاقه‌مند شدی؟

ابتدا با قرائت دعای توسل و زیارت عاشورا شروع کردم. کم‌کم مکبر مسجد شدم. شاید همین اعتماد و مسئولیتی که در سن کم به من داده شد، باعث شد بیشتر روی صدای خودم کار کنم.

● بعد از کشف استعداد، چطور این مسیر را ادامه دادی؟

شروع کردم به گوش دادن مداحی‌ها و تلاوت دعا‌هایی که استادان مختلف اجرا کرده بودند. آن‌ها را تمرین و سبکشان را دنبال می‌کردم.





حسینیه شاهزاده علی اکبر را حاج حبیب برادران،
با معماری استاد اکبر توابی در سال ۱۳۳۸ احداث کرد.
مؤسسه خیریه طریق الجنه از سال ۱۳۷۵ در این بنا
فعال است.



مسجد حضرت صاحب الامر(عج) یا «سه در»
۱۲۹ سال قدمت دارد. این مسجد یکی از
بناهای قدیمی محله سرشور است که این
روزها با مشکلاتی چون قطعی آب سرویس‌های
بهداشتی به دلیل هزینه زیاد آب مواجه است.

سیمای امروزی یک کوچه تاریخی

فرامرزی اکوچه سرشور ۲۴ در طول تاریخ با اسامی مختلفی شناخته شده است. اما بین مردم هنوز به
چهنو (ترکیب چاه و نو) معروف است. برخی روایات، دلیل این نام را منبع آب آن دوران، یعنی حوض آبی
می‌دانند که در میانه‌های کوچه قرار داشت. قدمت این کوچه به قبل از دوره قاجار برمی‌گردد.
کوچه «بالای قبرستان عیدگاه»، «تکیه میرزا حسن» و همچنین کوچه «تکیه علی اکبری‌ها»، دیگر نام‌های
این کوچه به ترتیب در سال‌های ابتدایی حکومت پهلوی دوم بوده است.
این کوچه از سمت خیابان امام رضا(ع) «امام رضای ۵» و از سمت کوچه سرشور «سرشور ۲۴» نام‌گذاری شده است.

کوچه سرشور ۲۴
محله سرشور



رنگ آمیزی دیوارهای کوچه از نوع سطح سه
است و در راستای زیباسازی محیط طی چهار روز آخر
سال گذشته با پیگیری شورای اجتماعی محله
سرشور انجام گرفت. در این طرح ۲۰ هزار مترمربع از
دیوارهای محله سرشور رنگ آمیزی شد.



به گفته ساکنان کوچه، صاحب بنای قدیمی
این معبر، حدود پانزده سال پیش در تنهایی از
دنیا رفت و تا چند روز، کسی از مرگش با خبر نبود. او
فرزندی نداشت و از آن موقع خانه‌اش متروکه شده
است. معمولاً خانه‌های قدیمی این کوچه مانند
این خانه یا در مرحله انحصار وراثت قرار دارند یا
بدون صاحب مانده‌اند.

رضا بخشی هفتاد و هشت ساله، بیش از
پنجاه سال است که ساکن این کوچه است. او
واقف حسینیه شاهزاده علی اکبری را به خوبی
به خاطر دارد: «حبیب برادران یک راسته مغازه و
خانه در سرشور داشت. اما ظاهرش خیلی ساده
بود و لباس‌های وصله دار می‌پوشید.»